

## کارزار امپریالیست ها و مزدورانش علیه

### جنایات خلق و پرچم را افشا سازید!

بعد از آنکه دسته های خلق و پرچم طی کودتای خونین ماه ثور 1357 بقدرت رسیدند، کارزار امحای فیزیکی مخالفین شان را آغاز کردند. آن ها با قساوت کرومگنون ها افراد حتی اطفال زیر سن را بعد از اعمال قیود شبگردی از خانه های شان ربوده به مراکز معینی مانند دفتر اطلاعات رژیم (اگسا، کام و خاد) در شش درک، ته کاوی وزارت داخله، خانه های ضبط شده از اقارب و خاندان آل یحیی در اطراف وزارت خارجه و شیرپور می آوردند. در این مراکز فقط شهرت مکمله آنها را قبل از آنکه آنها را تیرباران کنند یادداشت میکردند.

رژیم وابسته به سوسیال- امپریالیزم شوروی در ماه عقرب سال 1358 یعنی اندکی بیشتر از یکسال لیست 17500 نفر را بیرون داد که گوید در افغانستان نیستند. رژیم حتی در همین مورد هم دروغ میگفت زیرا تمام این افراد در افغانستان بودند ولی در گورهای دسته جمعی. رقم "17500 نفر کشته شده" عددی بود که دولت خلقی ها و پرچمی ها رسماً به آن اعتراف میکرد، در حالیکه رقم اصلی خیلی بیشتر از این بود. اگر همین 17500 نفر را در نظر بگیریم می بینیم که رژیم از ماه ثور سال 1357 تا ماه عقرب سال 1358 یعنی در ظرف 17 ماه بیشتر از 1000 نفر را در ماه به قتل رسانیده است که 33 نفر در روز میشود. اگر در تاریخ رژیم های سفاک در جهان جستجو کنیم رژیم خلق و پرچم ریکار د تمام رژیم های آدمکش دنیا در تاریخ معاصر بشر شکستانده است. زیرا هیچ رژیمی را پیدا نمیکنیم که هر روز نفر را بقتل رسانیده باشد.

در این زمان از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار گرفته تا جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی در پشاور و از سازمان نصر عبدالعلی مزاری گرفته تا حرکت اسلامی شیخ آصف محسنی در تهران هیچکدام برای این کشته شده ها فاتحه نگرفتند. در آن روز ها عبدالعلی مزاری در تائید حرف های گلبدین حکمتیار گفت " آنها همه شان شعله ای و ستمی بودند" یعنی اینکه خوب شد که کشته شدند.

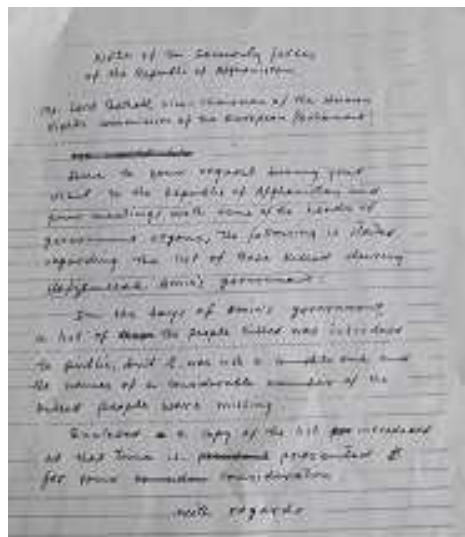
در هفت ثور سال 1392 هنگامیکه صبغت الله مجددی هنوز چند کیلومتر از تورخم دور نشده بود، اعلام کرد که تمام جاسوس ها، جلادها و جنایتکاران خلق و پرچم از تعقیب و محاکمه معاف اند. به تعقیب آن عبدالعلی مزاری تمام آدمکشان خلقی و پرچمی هزاره را که در دستان شان تامرفق بخون فرزندان رشید مردم افغانستان رنگین بودند، نتنها مورد عفو قرار داد بلکه مسلح نموده و در ملیشای قومی هزاره جذب کرد. موازی به همین روش احمدشاه مسعود و برهان الدین ربانی خلقی ها و پرچمی های ملیت تاجک را مورد حمایت قرار داده و در کنار سامانی ها و سزائی به سربازان "اسلام" مبدل نمودند.

امروز قسیم فهیم معاون آنروز احمد شاه مسعود معاون اول رئیس جمهور است. محمد کریم خلیلی معاون عبدالعلی مزاری و رهبر کنونی حزب وحدت اسلامی، معاون دوم رئیس جمهور است، صبغت الله مجددی یکی از ارکان های مهم دولت میباشد و همین ها اند که دیروز خلقی ها و پرچمی های جلاد را عفو کردند. اما امروز بر مزار گمنام شهدای مردم افغانستان اشک تمساح می ریزند، دوروز فاتحه میگیرند و شاید آنه بیرق افغانستان را نیمه برافراشته قرار میدهند.

رسانه ها، نشرات، وب سایت ها، رادیوهای مرکزی و محلی، تلویزیون های مرکزی و ایالتی همه و همه از کشتار و قتلعام مردم به دست "کمونیست" ها حرف میزنند. هیاهوی که به این قسم به دست امپریالیست هادراروپا سازمان داده شده است تا به انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری افغانستان سمت و سوبدهنده یک کارزار "ضد کمونیستی" مبدل شده است. روشنفکران نادان افغانستان در اروپا و امریکای شمالی در موازات سیاست های تسلیم طلبان "سامائی ها" و "سائی ها" نیز در ضمن تقبیح این کشتار، خلق و پرچم رابه نام "کمونیست" محکوم میکنند.

امپریالیست ها خود خیلی خوب میدانند که خلق و پرچم چه که حتی حزب حاکم بر اتحاد شوروی بعد از مرگ رفیق استالین "کمونیست" نبود. ولی زمانیکه پای تجاوز سوسیال- امپریالیزم شوروی به چکوسلواکیا و افغانستان مطرح میشود آنهاواژه "کمونیزم" رابه هیچ صورتی فراموش نمیکند. زمانیکه پای قتلعام از نوع پنوشه، مارکوس، سوهارتو، موبوتو و امثالهم در میان می آید آنها به هیچ قیمت واژه "کاپیتالیزم"، "استعمار" و "دخالت امپریالیزم" را بر زبان نمی آورند. اکنون نیز آنها خوب آگاه اند که خلق و پرچم کمونیست نبودند ولی بخاطر سمت و سودادن ذهن مردم ناآگاه افغانستان بر علیه کمونیزم این لکه های سیاه ننگ بردمان کمونیزم را کمونیست میگویند. میرزا گل سامائی و عریضه نویس سائی نیز در این کارزار امپریالیست هاسهم میگیرند و در ازای یک نوازش "بزرگوارانه" بر آتش ضد کمونیستی دستگاه اطلاعات امپریالیست ها روغن "افغانی" می ریزند.

هر آدم عاقل از خود میپرسد که چرا امروز بعد از 34 سال امپریالیست ها و مرتجعین باز هم زخم قلب خونین مردم افغانستان را بار دیگر باز میکنند؟ آیا آنها تازه از واقعه خبر شده اند؟ نه. آنها در ماه حمل سال 1359 این لیست را از سازمان اطلاعات خلق و پرچم (خاد) بطور رسمی دریافت کرده بودند. "خاد" لیست اولی را تغییر داده و یک لیست حدود 5000 تن رابه کمیسیون حقوق بشر اروپا فرستاده. در لیستی که آنها فرستاده اند، نام عده ای از افراد درج شده که تا هنوز زنده میباشند مانند عبدالرسول سیاف رهبر اخوانی های سلفی افغانستان. در نامه ای که خامه آن به خط داکتر نجیب الله رئیس "خاد" عنوانی لرد بیتل (Baron Bethell) مثنی دوم اتحادیه اروپا نوشته است چنین میخوانیم:



Note of the security forces of the republic of Afghanistan

Mr, Lord Bethell, Voice- chairman of Human Rights Commission of the European Parliaments!

Due to your request during your visit to the republic of Afghanistan and your meeting with some of the leads (leaders) of the government organs the following is stated regarding the list of those killed during Hafizullah Amin's government. In the days of Amin's government a list of people killed was introduced (introduced) to public but it was not a complete one and

the names of a considerable number of killed people were missing.

Inclosed a copy of the list introduced at the time is presented for your considerations

With regards

پس چرا حالا آنها این هیاهو را به راه انداخته اند؟ بنا به دلایل زیرین:

1- صرف نظر از رقابت های پارلمانی احزاب بورژوائی راست (با نام چپ) و راست گرای کشورهای امپریالیستی، مسئله امضای معاهده استراتژیژیک با افغانستان در این رابطه نقش اساسی درجه اول را بازی میکند. امپریالیست هاشش ماه مکمل کنرو ننگرهار را از خاک پاکستان راکت باری کردند تا احساسات ملی مردم افغانستان را تحریک کنند که "اگر ما نباشیم همسایه هاباشما اینطور رفتار میکنند و اگر شما با ما موافقت نامه استراتژیژیک را امضا کنید، ما از شما دفاع میکنیم و آنها دیگر شما را اینطور تحقیر نمیتوانند." به تعقیب آن، وقتی این توافق نامه امضا نشد آنها "انتخاب تقلیل قوا تا حد صفر" Zero Option را مطرح ساخته و گفتند که اگر "توافقنامه استراتژیژیک" را با ما امضا نکنید ما تمام قوای ما را از افغانستان خارج میکنیم. حدود 9 ماه قبل از امروز از طریق ایادی شان لیست همین 5000 نفر شهید رادر بین روشنفکران و تحصیل کرده های افغانستان در اروپا و امریکای شمالی با این پیام پخش کردند که "بدون توافقنامه استراتژیژیک هر کس بر افغانستان حمله و مردم را اینطور قتلعام میکند". امپریالیست ها و مزدوران شان میدانند که بیشتر از یکنیم میلیون انسان که در رد تجاوز سوسیال- امپریالیزم شوروی جان شان را از دست دادند و این 5000 تن حتی مثنی از این کوه (از نظر کمی) هم نیست، اولین دلیل شان این بود که "ما نمیخواهیم بیگانه های بر ما حکومت کنند" چه بنام سوسیالیزم باشد چه بنام دموکراسی و حقوق بشر. آنها با اینگونه تاکتیک های شان سنگ های بزرگتری را بلند میکنند که در درازمدت بر روی پاهای خود شان می افتند.

2- ثانیاً، امپریالیست ها و مزدوران شان بانشر این سند می کوشند توجه خلق را از فساد، ارتشا، فقر، سیه روزی، بیکاری، نرخ بالای رهن تورم، بی امنیتی، آدم ربائی، تجاوز به زنان و... غیره برگرفته و متوجه جنایاتی سازند که 34 سال قبل بدست جنایتکاران خلق و پرچم انجام یافته است. آنها با اینگونه ترفند های ریاکارانه می کوشند به انتخابات فرمایشی و نمایش مضحک خیمه شب بازی دموکراسی امریکائی سرخاب و سفیدآب بزنند

3- ثالثاً؛ ذهن نسل جوان رادر عناد و عداوت به کمونیزم برانگیزند و کمونیزم رادر نظر آنها نظام سفاک، جلا دو آدمکش رنگ آمیزی کنند.

4- رابعاً؛ تنفروانزجار خلق را از جنایات احزاب اسلامی منحرف ساخته و آنرا بسوی جنایت خلق و پرچم معطوف سازند. مگر جنایاتی که گلبدین یاسیاف، محسنی یا احمدشاه مسعود مرتکب شده کمتر از جنایات خلق و پرچم اند؟ خلق و پرچم اگر مردم بیگناه افغانستان را بجرم تسلیم نشدن به بادار متجاوز و اشغالگرشان دسته دسته و هزاران در هزار زنده بزیر خاک کردند، این جنایتکاران اخیر با قساوت و بیرحمی بر اساس سن اسیر بر سرشان میخ کوبیدند. اگر آنها بدلیل داشتن باور غیر از خلقی و پرچمی بودن بیگناهان را جمع کرده و با شلیک بر آنها توله سگان خلقی و پرچمی را تیراندازی دادند این جنایتکاران به دلیل یادداشتن دعای قنوت افراد را از پیاویزان کردند تا جان دادند. اگر خلق و پرچم روستاها، گذرگاه ها، عبورگاه ها، رهروها و دشت و دمن کشور را با میلیون هامین پرسونل فرش کردند، این جنایتکاران آخرین نقاط آباد باقی مانده یعنی شهر کابل رابا پرتاب هزاران موشک امریکائی و چینی به ویرانه مبدل ساختند. اگر آنها شرف

وناموس کشور را به پای سوسیال-امپریالیزم شوروی نثار کردند اینها ناموس مردم اسپر از خانه های شان ربوده و بر آنها تجاوز کردند و سپس آنها را در بازار برده فروشی غیر رسمی امارات به فروش رسانیدند. همین جنایتکاران اکنون میکوشند تنها خلق و پرچم را جنایتکار معرفی کنند. به راستی اگر این رژیم مزدور و واقعه حال شهادی که به دست جنایتکاران خلق و پرچم به شهادت رسیده اند، دلسوز است پس خلقی ها و پرچمی های بزرگ مانند گلاب زوی، علمی و صد های دیگر در این دولت چه میکنند؟ همین حالا هزاران تن از اعضای سابق "اگسا" یا "کام" و یا "خاد" در سازمان اطلاعات این رژیم بر کرسی های تعیین کننده تکیه داده اند.

5- خامسا؛ در کنار تمام اینها توطنه شیادان پرچمی را باید بطور واضح دید و بمثابه بخشی از توطنه ارتجاع (ملاک- کمپرادور های پارلمان باز) حاکم افشاسخت. طوریکه در نامه داکتر نجیب (جلادخاد) به لرد بیتل میخوانید، پرچمی ها از اول کوشیده و میکوشند تا این جنایات را بگردن خلقی ها و حفیظ الله امین بیاندازند. در حالیکه حقیقت چیز کاملاً دیگری است. پرچمی ها از روز کودتا تا تجاوز سوسیال-امپریالیزم شوروی در دولت و جنایات آن شریک بوده اند. هنگامیکه سوسیال-امپریالیزم شوروی بر افغانستان تجاوز و آنرا اشغال کرد، اسدالله سروری رئیس اگسا و قاتل فرزندان رشید مردم افغانستان را با سلطان علی کشتنند بعنوان معاونین صدراعظم تعیین نمودند. در همین زمان است که این لیست تهیه میشود. در تهیه این لیست بخاطر آنکه جنایات شان ناچیز نشان داده شوند حتی همان لیست رسمی را تا حدیک چهارم تقلیل میدهند. در همین زمان که داکتر نجیب رئیس عمومی "خاد" است دستور میدهد که نام اسدالله سروری و سایر قصابان را در اسناد رسمی صدارت و ریاست "خاد" خط بزنند و سپس اسناد را در آرشیف بگذارند. برای مطالعه این اسناد لطفاً به آدرس های زیرین مراجعه کنید:

- اسناد صدارت- ریاست خاد (اگسا)- بخش اول

- اسناد صدارت- ریاست خاد (اگسا)- بخش دوم

- اسناد صدارت- ریاست خاد (اگسا)- بخش سوم

- اسناد صدارت- ریاست خاد (اگسا)- بخش چهارم

به این قسم رژیم جهادیان جنایتکار و مزدوران امپریالیزم به دلیل گرامیداشت خاطره شهادی مردم افغانستان لیست کشته شدگان را منتشر نمیسازند و فاتحه نمیگیرند بلکه بخاطر اغراض شخصی و طبقاتی شان این مانور شیادی اشک تمساح ریختن را اجرا میکنند. تمام کتله های دخیل از امپریالیست های اشغالگر گرفته تا جنایتکاران جهادی، از پرچمی های شیاد گرفته تا تسلیم طلبان سامانی (ادامه دهندگان) و رویونیست های سائی در نشر آن نفع دارند. اشک تمساح ریختن این دوگروه آخرینه بخاطر رهائی خلق است و نه بخاطر دشمنی با خلق و پرچم و دیگر جنایتکاران، بلکه بخاطر رقابت های انتخاباتی با جنایتکاران خلقی و پرچمی میباشد. همین حالا هیاهویی را که "حزب همبستگی یا بر آمد علنی" سا" در شکل پارلمانی به راه انداخته هیچ شعاری جز محاکمه جنایتکاران پرچمی ندارد. کدام حزب انقلابی و مخالف استعمار و امپریالیزم در یک مملکت مستعمره از یک رژیم مستعمراتی و مزدور "عدالت" میطلبد؟ آیا خواست "جنایتکاران را مجازات کنید" از مزدوران امپریالیزم کوچکترین ربطی به "مجازات

جنایتکاران دارد؟" با درک اینکه در این رژیم مستعمراتی قانون به نفع کدام طبقات است، محاکم شرعی و عرفی در دست چه کسانی اند، در این شعار ذره ای از خواست طبقاتی مطرح است؟ آنچه در هیاهوی "حزب همبستگی" همیشه مطرح بوده و اکنون نیز مطرح است نسخه جدیدی از تاکتیک های پرچمی هادرسال 1347 و 1348 پوهنتون کابل میباشد. هیاهوی حزب همبستگی در بطن یک نظام مستعمراتی تلاش های رویزونیست منفرسه جهانی "سا" در جهت حفظ رژیم است نه در مبارزه با آن.

خلق افغانستان در طول تاریخ طرفدار عدالت بوده و هست. آنها محاکمه نتنها خلقی ها و پرچمی های جنایت کار را میطلبند بلکه خواهان محاکمه جنایتکاران اخوانی شیعه و سنی و سلفی نیز میباشند ولی نه در محاکم ارتجاعی رژیم پوشالی و یاطالبانی، بلکه در دادگاه قدرت سرخ خلق، در پایگاه های توده ای جنگ خلق و در رژیم دموکراتیک و دادن همه گونه حق دفاع قانونی به جنایتکاران. زیرا در چنین دادگاهی است که خلق دشمنان جنایتکارش را بخاطر منافع مادران داغ دیده و پدران "مرده در آرزوی دیدار دلبنده شان"، زنان در ماتم نشسته و خواهران و برادران سیه پوش محاکمه میکنند. در حالیکه امپریالیست ها و مرتجعین بخاطر منافع خود و با داران شان کسی را محاکمه میکنند و یا آزاد میسازند.

برای محاکمه تمام جنایتکاران به پیش در راه براه اندازی جنگ خلق

عدالت فقط در محاکم قضائی رژیم دموکراسی نوین اجرا میشود نه در محاکم نمایشی یک رژیم پوشالی

عدالت طلبی از امپریالیست و ارتجاع مظاهر نفرت انگیز اپورتونیزم راست است.

مأویست های افغانستان

13 میزان 1392 مطابق 5 اکتبر 2013